

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری (گروه ادیان و عرفان)

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته الهیات و معارف اسلامی - گرایش ادیان و عرفان تطبیقی

عنوان:

ترجمه و تحقیق فصول ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸

آیین بودا

ویراسته پیترها روی

استاد راهنما:

دکتر فیاض قرایی

استاد مشاور:

دکتر علی اشرف امامی

دانشجو:

طیبه شاطر غرابی

بهار ۱۳۹۱



بسمه تعالی
 مشخصات پایان نامه تحصیلی دانشجویان
 دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان پایان نامه: ترجمه و تحقیق فصول ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ آیین بودا، ویراسته پیترو هاروی.

نام نویسنده: طیبه شاطر غرابی

نام استاد(ان) راهنما: دکتر فیاض قرایی

نام استاد(ان) مشاور: دکتر علی اشرف امامی

دانشکده: الهیات	گروه: ادیان و عرفان	رشته تحصیلی: ادیان و عرفان تطبیقی
تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۲/۱	تاریخ دفاع: ۱۳۹۱/۱/۲۳	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد ●	دکتری ○	تعداد صفحات: ۱۹۶

چکیده پایان نامه:

این رساله ترجمه و تحقیق فصول ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ آیین بوداست. نخستین فصل این رساله به بررسی آیین-های عبادی آیین بودا می پردازد. گرچه با توجه به خداپاوار نبودن آیین بودا این موضوع عجیب به نظر می رسد اما باید به این نکته اشاره نمود که در آیین بودا موجودات مقدس بسیاری وجود دارند که آیین-های عبادی ای نظیر تعظیم، نذورات و جشن های متعدد پیرامون آنها انجام می گیرد. دومین فصل این رساله به آداب سلوک بودایی نظیر پناه بردن و تشرف به رهبانیت و نیز مراسم ازدواج و آیین های درگذشت بودایی می پردازد. سومین فصل این رساله با بررسی مفهوم کرمه و اصول اخلاقی سنت های بودایی، بر دشواری تصمیم گیری اخلاقی برای بوداییان تأکید می کند. فصل چهارم این رساله به بررسی جایگاه زنان در نخستین جامعه بودایی و سپس در سنت مهاییانه و وجره یانه می پردازد و نهایتاً می توان به این نتیجه رسید که علیرغم دیدگاه های نظری متفاوت، دیدگاه مساوات طلبانه بودا در سنت های بودایی، محقق نشده است. آخرین فصل این رساله با توجه به این اصل بودایی که هیچ چیز خود ثابتی ندارد، آیین بودا را علیرغم تأکیدش بر بی آزاری، آیینی طرفدار محیط زیست نمی داند.

کلید واژه:	امضای استاد راهنما:
۱. سنگه	
۲. آمیتابه	
۳. کرمه	
۴. زن	
۵. اهینسا	تاریخ: ۱۳۹۱/۲/۵

فهرست مطالب

۷	مؤلفان
۱۰	راهنمای تلفظ
۱۲	مقدمه مترجم
۱۴	آیین بودا و گسترش آن
۱۷	مکاتب آیین بودا
۲۰	آیین بودای جنوبی
۲۱	آیین بودای شمالی
۲۳	آیین بودای شرقی
۲۷	۱. اعمال عبادی: پیترهاروی
۲۹	پناهگاه‌ها
۳۳	کانون‌ها و موقعیت‌های اعمال عبادی
۳۵	رویکرد به تماثل
۳۷	تعظیم، نذورات و گفتارخوانی
۴۱	گفتارخوانی محافظ
۴۳	دلبستگی به اولوکیثشورَه
۴۷	دلبستگی به آمیتابه
۴۹	دلبستگی به بایشجیه - گورو
۴۹	دلبستگی به سوتره نیلوفر
۵۱	زیارت
۵۱	جشن‌ها
۵۹	۲. مراتب سلوک: کریستوفر لمب
۵۹	آیین‌ها و مراسم بودایی

۶۱	پناهگاه سه‌بعدی
۶۳	روش پناه بردن
۶۵	پناهگاه چهاربعدی
۶۶	تشرّف به رهبانیت
۶۸	پَیجَا: تشرّف سطح پایین
۶۹	اوپسَمپدا: تشرّف سطح بالا
۷۲	تشکیل نظام راهبه‌ها
۷۴	پذیرش یا اذن تَنترَه‌ای: آیشِگه
۷۶	تقدیس جار
۷۷	ریاضت، طریقی برای تقدیس به‌عنوان یک بودا/
۷۷	آیین بودای رایج: انطباق‌هایی برای «مراحل زندگی»
۷۹	ازدواج بودایی
۸۵	مراسم درگذشت
۹۲	خودکشی آیینی
۹۳	مراسم ترحیمی در چان/ زن
۹۹	۳. اتخاذ تصمیمات اخلاقی: استوارت مک‌فارلین
۱۰۳	ساختار آموزه اخلاقی بودایی
۱۰۹	اهمیت گرمه
۱۱۲	اصول اخلاقی سَنگه
۱۱۳	سَنگه، اخلاق و جامعه
۱۱۵	اخلاق مَهایانه
۱۲۱	اخلاق و جَرَه‌یانه
۱۲۳	خلاصه
۱۲۷	۴. جایگاه زنان در آیین بودا: ریتا ام‌گراس
۱۲۸	چکیده آموزه‌های اصلی بودایی
۱۲۹	زنان و آیین بودایی هندی نخستین
۱۳۵	زنان در آیین بودای مَهایانه
۱۴۰	زنان در آیین بودای و جَرَه‌یانه
۱۴۶	خلاصه رویکردهای بودایی سنتی به زنان
۱۴۸	زنان در آیین بودای خارج از هند

۱۴۴	دیدگاه‌های رایج در باره زنان و آیین بودا
۱۶۳	۵. رویکردهایی در مورد طبیعت: / بیان هریس
۱۶۴	آیین بودا و جهان طبیعی
۱۶۶	زمان و غایت
۱۶۸	کیهان‌شناسی
۱۷۱	جهان در بند تغییر
۱۷۳	بی‌آزاری در سنت بودایی
۱۷۵	مهرورزی عاشقانه
۱۷۷	حیوانات
۱۷۸	محیط طبیعی و آیین بودا
۱۸۰	جنگل‌ها
۱۸۱	گیاهان
۱۸۳	خلاصه
۱۸۸	فهرست تصاویر
۱۹۴	کتابنامه مترجم

مؤلفان (ترجمه)

پیتر هاروی (Peter Harvey) پرفسور مطالعات بودایی دانشگاه ساندرلند و به همراه ایان هریس از مؤسسان انجمن سلطنتی مطالعات بودایی انگلستان (۱۹۹۵) است. تحقیقات وی در زمینه تفکر و اصول اخلاقی آغازین بودایی، ابعاد عبادی و مراقبه‌ای آیین بودا است. او مؤلف *An Introduction to Buddhism: Teachings, History and Practices* (کلیات آیین بودا: تعالیم، تاریخ و اعمال بودایی) (Cambridge University Press, 1990)، *The selfless Mind: personality, Consciousness and Nirvana in Early Buddhism* (ذهن ایثارگر: منش، آگاهی و نیروانده در آیین بودای آغازین) و *An Introduction to Buddhist Ethics: Foundations, Values and Issues* (کلیات نظام اخلاق بودایی: شالوده، معیار و مسائل آن) (Cambridge University Press, 2000) است. همچنین مقالاتی درباره استوپه (*stūpa*) و پَریته (*paritta*) خوانی، مراقبه‌های «بی‌نشان» و ماهیت تَنّاگته (*tathāgata*) منتشر نموده است. او یک بودایی تَرَواده‌ای و استاد مراقبه سَماتا (*Samatha*) است.

کریستفر لمب (Christopher Lamb) مدیر مرکز گفتگوهای بین ادیانی و مدرس ارشد مطالعات دینی دانشگاه میدلسکس (Middlesex) است. او به همراه ام دارل بریانت (M. Darrol Bryant) از ویراستاران مجموعه *Issues in Contemporary Religion* (مسائل دین معاصر) که توسط کانتینوم منتشر شد، می‌باشد و به همراه ادوارد بیلی (Edward Bailey) از ویراستاران مجموعه *Faith and Society* (ایمان و جامعه) است که توسط انتشارات دانشگاه میدلسکس، منتشر شده است. او به همراه دن کان-شرباک (Dan cohn-Sherbok) از ویراستاران *The Future*

آینده of Religion: Postmodern Perspectives – Essays in Honour of Ninian Smart
(Middlesex دین: نقطه‌نظرهای وجوه پست‌مدرن - مقالاتی در بزرگداشت نینین اسمارت) University Press, 1999) و به همراه آقای ام. دارل بریانت از ویراستاران کتاب Religios Conversion: Contemporary Practices and Controversies (تحول دینی: تجارب و اعمال معاصر) (Cassell, 1999) است.

استوارت مک‌فارلین (Stewart McFarlane) عضو شورای پژوهشی اورتون (Everton) و رایزن بین‌المللی کالج دانشگاه لیورپول هوپ (Liverpool Hope) و استاد مدعو در مطالعات بودایی مؤسسه مطالعات بودایی چانگ هوا (Chang Hwa) تایوان است. وی مؤلف The Complete Book of Tai Chi (کتاب کامل تای چی) (Dorling Kindersley, 1999) است و مجموعه چهار قسمتی Shadow Boxing on the Path to Nirvana (مشتزنی خیالی در طریق نیروانه) را ارائه داد که در سال ۱۹۹۸ از شبکه جهانی بی‌بی‌سی پخش گردید.

ریتا ام گراس (Rita M. Gross)، نویسنده دو اثر برنده جایزه درباره آیین بودا، Buddhism After Patriarchy: A Feminist History, Analysis, and Reconstruction of Buddhism (آیین بودا پس از پدرسالاری: تاریخی فمینیستی، تحلیل، بازسازی آیین بودا) (State University of New York Press, 1993) و Soaring and Settling: Buddhist Perspectives on Contemporary Social and Religious Issues (فراز و فرود: دیدگاه‌های بودایی درباره مسائل دینی و اجتماعی معاصر) (Continuum, New York, 1998) است. وی همچنین مؤلف Feminism and Religion: An Introduction (کلیاتی درباره فمینیسم و دین) (Beacon, 1996) و از ویراستاران کتاب کلاسیک Unspoken World: Women's Religious Lives (جهان مگو: زندگی دینی زنان) است که چاپ سومش اخیراً منتشر شده است. او همیشه نقش فعالی در مباحث میان ادیانی خصوصاً گفتگوی بودایی - مسیحی دارد.

ایان هریس (Ian Harris) دانش‌آموخته دانشگاه‌های کمبریج (Cambridge) و لنکستر (Lancaster) است. وی دانشیار مطالعات دینی کالج سنت مارتین (St Martin's college) لنکستر است و از بنیان‌گذاران (همراه با پیتر هاروی) انجمن سلطنتی مطالعات بودایی انگلستان است. وی

که مؤلف کتاب *The Continuity of Madhyamaka and Yogacara in Early Mahayana Buddhism* (پیوستگی مادیسمیکه و یوگاچاره در بودای مه‌ایانه آغازین) (E. J. Brill, 1991) و ویراستار کتاب *Buddhism and politics in Twentieth Century Asia* (آیین بودا و سیاست در آسیای قرن دوازدهم) (Pinter, 1999) است به طور گسترده‌ای درباره آیین بودا و اخلاق زیست محیطی بودایی قلم زده است. او در حال حاضر درباره آیین بودا در کامبوج مشغول به کار است تا در سال ۲۰۰۱ در انتشارات دانشگاه هاوایی منتشر شود.

راهنمای تلفظ

هر دو زبان پالی و سنسکریت، بیش از بیست و شش حرف دارند؛ بنابراین نوشتن آنها به شیوه الفبای لاتین باید با استفاده از نشانه‌های اعرابی بسط داده شوند. گاهی صداهای خاص حروف معلومند، برخلاف واژگان انگلیسی، واژگان پالی و سنسکریت همانطور که نوشته می‌شوند، تلفظ می‌گردند. بنابراین جا دارد به آنها پرداخته شود چرا که راهنمای روشنی برای تلفظ ارائه می‌دهد، تلفظ حروف بدین قرار است:

a کوتاه و ثابت است، مانند *u* در 'hut' یا 'utter'

i کوتاه است مانند *i* در 'bit'

u مانند *u* در 'put'، یا *oo* در 'foot' است.

e همانند *e* در 'bed' اما کشیده‌تر تلفظ می‌شود.

o بلند است مانند *o* در 'note'، (یا قبل از بیش‌تر از یک صامت، بیشتر مانند *o* در 'not' یا 'odd').

یک خط بالای یک مصوت، تلفظ آن را کشیده می‌کند:

ā همانند *a* در 'barn'؛ ***ī*** همانند *ee* در 'beet'؛ ***ū*** همانند *u* در 'brut' است.

زمانی که یک نقطه در زیر یک حرف باشد (***t, d, n, s, h, r, l***) به معنای این است که آن حرف

دماغی است. تصور کنید یک نقطه بر کام شماست که هنگامی که این حروف را بیان می‌دارید

زبانتان باید آن نقطه را لمس کند. معمولاً این امر، یک صدای «هندی» را ایجاد می‌کند. همچنین

این نقطه گذاری زیر حرف، ***ṣ*** را به صدای *sh* (ش)، و ***r̥*** را به *ri* (ری) تبدیل می‌کند. ولی ***h*** بعد

از یک مصوت، نشانگر یک ضربه ملایم تنفسی است.

ک مانند صدای *sh* (ش) معمولی است.

صامت‌های دمی (*kh, gh, ch, jh, th, dh, ph, bh*) مانند زمانی که صامت‌های انگلیسی با وضوح تمام بر زبان آورده می‌شوند، با تنفسی محکم از قفسه سینه همراه می‌شوند. برای مثال: *ch* همانند *ch-h* در 'church-hall'، *th* همانند *t-h* در 'hot-house'؛ *ph* همانند *p-h* در 'cup-handle' است. زمانی که صامت‌های دمی به عنوان جزئی از یک دسته صامت واقع می‌شوند، تلفظ آنها در انتهای دسته صامت می‌آید.

c همانند *ch* است در 'choose'

n̄ همانند *ny* در 'Canyon' است؛ *n̄n̄* همانند *nnyy* است.

m̄ صدایی خالص تودماغی است و زمانی که دهان بسته است ولی هوا از طریق بینی خارج می‌شود با لرزش تارهای صوتی شکل می‌گیرد؛ صدای آن شبیه صدای *ng* است.

n̄ یک *ng* است، صدایی تو دماغی که به جای بینی از دهان بیان می‌گردد.

v زمانی که در آغاز واژه یا بین دو مصوت قرار می‌گیرد می‌تواند تا حدودی شبیه *v* انگلیسی باشد اما زمانی که با صامت دیگری ترکیب می‌شود مانند *w* انگلیسی است.

دو صامت همواره بلند تلفظ می‌شوند؛ برای مثال *nn* در 'unnecessary' است.

بقیه حروف همانند حروف انگلیسی، تلفظ می‌شوند.

ō برای نشان دادن *o* کشیده در زبان ژاپنی است (مانند 'note' در مقایسه با 'not').

عموماً کلمات تبتی هم به صورت آوانگاری کاملشان که شامل حروف بی‌صداست و هم در

شکلشان زمانی که تلفظ می‌شود، ادا می‌شوند مانند *bḳa'-'gyur* و *Kangyur*.

واژه‌های چینی بیشتر به جای سبک جدیدتر پین‌یین (Pinyin) براساس سبک سنتی وید-جیلز

(Wade-Giles) آوانویسی می‌شوند.

مقدمه مترجم

کتاب آیین بودا، ویراسته پیتر هاروی، آیین بودا را از چند منظر، مورد بررسی قرار می‌دهد. فصول ده‌گانه این کتاب، مقالاتی مستقل‌اند که از دیدگاه ویراستار مجموعه، علیرغم پیوستگی موضوعی که با هم دارند می‌توان آنها را جداگانه مورد مطالعه قرار داد. این فصول که به ترتیب به متون مقدس آیین بودا؛ دیدگاه‌های بودایی در باره وضعیت نامساعد انسان و راه‌هایی از آن؛ اوصاف حقیقت غایی و موجودات مقدس و الوهی؛ اعمال عبادی؛ مراتب سلوک؛ اتخاذ تصمیمات اخلاقی؛ جایگاه زنان در آیین بودا؛ رویکردهایی در مورد طبیعت؛ کیهان‌شناسی، اسطوره و نمادگرایی؛ و مکان مقدس می‌پردازند با ابعاد هفت‌گانه دین که نینین اسمارت مطرح نموده است، مرتبطند. این ابعاد عبارت‌اند از:

۱. بعد اعتقادی و فلسفی، ۲. بعد روایی و اسطوره‌ای، ۳. بعد اخلاقی و حقوقی، ۴. بعد عملی و عبادی، ۵. بعد تجربی و عاطفی، ۶. بعد اجتماعی و نهادی، ۷. بعد مادی.

پیتر هاروی در مقدمه کتاب *آیین بودا* در باره ارتباط فصول کتاب با این ابعاد بیان می‌دارد که هرچند هیئت فیزیکی متون مقدس، بخشی از بعد مادی‌اند، «متون مقدس بودایی» منابعی کلیدی را برای بیشتر این ابعاد فراهم می‌کنند. «دیدگاه‌های بودایی در باره وضعیت نامساعد انسان و راه‌هایی از آن» عمدتاً به بعد اول مربوط است. «اوصاف حقیقت غایی و موجودات مقدس و الوهی» با ابعاد اول، دوم و هفتم این ابعاد؛ «اعمال عبادی» به ابعاد چهارم، دوم و پنجم؛ «مراتب سلوک» به ابعاد چهارم و ششم؛ «اتخاذ تصمیمات اخلاقی» به ابعاد سوم و ششم؛ «جایگاه زنان در آیین بودا» به ابعاد سوم، ششم و اول؛ «رویکردهایی در مورد طبیعت» به ابعاد اول، سوم و دوم؛

«کیهان‌شناسی، اسطوره و نمادگرایی» به ابعاد دوم، اول و چهارم؛ «مکان مقدس» به ابعاد هفتم، دوم و چهارم مرتبند.

رساله حاضر، ترجمه و تحقیق در فصول چهارم تا هشتم این کتاب است. نخستین فصل این رساله، با عنوان اعمال عبادی به موضوعاتی نظیر پناهگاه‌های بودایی، کانون‌های اعمال بودایی، رویکرد این آیین به تماثل، موضوعات دلبستگی بوداییان و چگونگی برقراری ارتباط با این موضوعات در سنت‌های گوناگون آیین بودا می‌پردازد. دومین فصل این رساله، با عنوان مراتب سلوک به موضوعاتی از جمله در آمدن به سلک رهبانیت در جوامع مختلف بودایی و سپس به آیین‌هایی نظیر آیین‌های ازدواج و مراسم درگذشت در آیین بودای رایج در سطح عامه می‌پردازد. موضوع فصل سوم اتخاذ تصمیمات اخلاقی در آیین بوداست که گرچه ابتدا، آسان می‌نماید در مقام عمل، پیچیدگی‌هایی می‌یابد. به عبارت دیگر، هرچند به نظر می‌رسد با توجه به احکام اخلاقی بودایی، فرد بودایی در تصمیم‌گیری کار دشواری در پیش ندارد اما با توضیح مفهوم کرمه و اهمیت آن در آیین بودا و اخلاق سنگه (*Saṅgha*) و سنت مه‌ایانه (*Mahāyāna*) و وجره‌یانه (*Vajrayāna*) مشخص می‌شود که تنوع عمل و کنش بودایی، کلی‌گویی در باره ماهیت تصمیم‌گیری اخلاقی بودایی را دشوار می‌سازد. در فصل چهارم این رساله که عنوان جایگاه زنان در آیین بودا را دارد ابتدا نگاه مساوات‌طلبانه بودا به زن در جامعه هند علی‌رغم عدم تأسیس نظام راهبه‌ها در پنج سال نخست روشن‌شدگی بودا، مطرح می‌شود و سپس به جایگاه زن در مکاتب مه‌ایانه و وجره‌یانه پرداخته می‌شود. در ادامه به بررسی جایگاه نظام راهبه‌ها در جوامع بودایی خارج از هند پرداخته می‌شود و عدم دیدگاه زن‌ستیزانه آیین بودا و تأثیر هنجارهای مردسالارانه جوامعی که آیین بودا بدانها وارد شده در جایگاه نظام راهبه‌ها در این جوامع تأیید می‌شود. واپسین فصل این رساله، به بررسی رویکردهای بودایی و تا حدودی مقایسه آن با دیدگاه‌های دیگر ادیان به ویژه ادیان سامی نسبت به طبیعت می‌پردازد. از آنجا که آیین بودا در آغاز دینی تارک دنیا بوده است و در نتیجه تنها راه‌هایی از جهان را کناره‌گیری از آن می‌دانسته است در آغاز و به ویژه توسط بودا مطلب زیادی در باره طبیعت مطرح نشده است اما با گذشت زمان و احساس نیاز به رقابت با سنت‌هایی نظیر هندو، مفسران بودایی به بحث در باره طبیعت پرداختند. در ادامه این فصل به

رویکرد آیین بودا نسبت به حیوانات، جنگل‌ها و گیاهان پرداخته می‌شود و به این موضوع اشاره می‌شود که علیرغم تأکید آیین بودا بر اصل اهینسا، گیاه‌خواری در این آیین، ارتباطی با اصل اهینسا ندارد و حتی مواردی از تناول گوشت توسط بودا گزارش شده است. به عبارت دیگر گرچه در این آیین بر اجتناب از آسیب زدن به محیط طبیعی، تأکید می‌شود نمی‌توان آیین بودا را آیینی طرفدار محیط زیست دانست زیرا از منظر این آیین، همه چیز عاری از خود است و به خودی خود در معرض زوال و نابودی قرار دارد.

آیین بودا و گسترش آن

بودا (Buddha) که به معنای فرد بیدار شده یا روشنی‌یافته است لقب سیدارته گاوتمه (Siddhārtha Gautama) (سنسکریت؛ به پالی: سیدته گوتمه (Siddhattha Gotama)) است که بسیاری از منابع، زمان زندگی او را تاریخ‌هایی نظیر ۴۸۶-۵۶۶ پیش از میلاد می‌دانند اما محققان متأخر با ارزیابی مجدد شواهد معتقدند که ۴۰۴-۴۸۴ پیش از میلاد، تاریخ‌هایی محتمل‌ترند (Harvey (Ed.), 2001, p. 4). وی نزد پیروان آیین بودای ترَواده (Theravāda) با عنوان گوتمه بودا و نزد بوداییان مَهایانه‌ای با عنوان شاکیه‌مونی بودا (Śākyamuni) و نزد پیروان این هر دو مکتب با عنوان بَگَوَن (Bhagavan)، به معنای فرد رستگار، فرد کامیاب یا سرور شناخته می‌شود. او زندگی‌اش را در زمینه دینی‌ای گذراند که در آن، شکل آغازین آیین هندو که عموماً «آیین برهمنی» یا «دین ودایی» خوانده می‌شود تأثیر چشمگیری داشت. تعالیم او، مشترکات زیادی با آیین برهمنی داشت که از جمله آنها اعتقاد به کَرَمَه (karma)، بازپیدایی و وجود خدایان است. با این وجود، عقیده او در باره این امور، با عقیده کشیشان برهمنی متفاوت بود و او آشکارا با آیین برهمنی اختلاف نظر داشت. بودا متون مقدس آنها را موثق نمی‌دانست و همچنین تأثیر دینی قربانی به خدایان و کشتن حیوانات که لازمه قربانی بود و عقیده به نظام اجتماعی الهی وَرَنَه‌های^۱ (varṇas) چهارگانه را که اساس نظام کاست‌های متعدد بعدی شد و این عقیده را که هر فرد یک خود متعین دارد، نپذیرفت.

۱. وَرَنَه، واژه‌ای سنسکریت با گستره وسیع معنایی است. در برخی از آثار کهن سنسکریت به معنای رنگ به کار رفته است. با این حال، بعدها در اشاره به گروه‌بندی اجتماعی نامتغیری به کار رفت که فرد در آن متولد می‌شد. وَرَنَه‌های چهارگانه عبارتند از: براهمَنَه‌ها (Brāhmaṇas) (روحانیان)، کَشتریه‌ها (Kṣatriyas) (جنگ‌آوران)،

نکته بارزی که در باره آیین بودا وجود دارد، پهنه وسیع گسترش این آیین است. گسترش این آیین، از زمان حیات بودا آغاز شد زمانی که او ۶۰ شاگرد ارهتس را با این بیان روانه کرد:

ای راهبان، برای منفعت رساندن به افراد بسیار، برای شادی افراد بسیار، به خاطر شفقت نسبت به جهان، برای بهروزی، برکت، سرور خدایان و انسان‌ها به سیاحت پردازید . . . دمه را که در آغاز، میانه و انجام خوشایند است، تعلیم دهید (Harvey (Ed.), 2001, p. 3).

سرانجام آیین بودا در سراسر هند و سپس در فراسوی هند گسترش یافت. امروزه هیچ کشور آسیایی را نمی‌توان یافت که حضور بودایی قدرتمندی را در برهه‌ای از تاریخش تجربه نکرده باشد که از جمله آنها سرزمین‌های افغانستان و اندونزی‌اند (Harvey (Ed.), 2001, p. 4). آیین بودا زمانی که گسترش می‌یافت با دیگر سنت‌های دینی، خواه سنت‌های کاملاً بالیده متن‌محور نظیر آیین کنفوسیوس (Confucianism) و آیین دائو (Taoism) در چین، سنت‌های کم‌رونق‌تری نظیر شینتو^۱ (Shintō) در ژاپن و بُن (Bon) در تبت که سرانجام تأثیر بسیاری بر آنها نهاد خواه کیش‌های محلی پرستش خدایان متعدد طبیعت، کاملاً در تعامل بود. شاید هیچ‌گاه سرزمینی که آیین بودا تنها دین آن باشد وجود نداشته است و این ناشی از روح تسامحی است که در این دین وجود دارد.

شخصیتی که بی‌تردید در گسترش آیین بودا سهمی به‌سزا داشت امپراتور آسُکَه (Aśoka) (به سنسکریت؛ به پالی: آسُکَه (Asoka)) بود که طی سال‌های حکومت وی (حدوداً ۲۳۹-۲۶۸

وایشیه‌ها (Vaiśyas) (پیشه‌وران) و شودرَه‌ها (Śūdras) (کارگران). مستند آنها سرود ۱۰.۹۰ ریگ ودا است (Kroll, Ethan, 'Varṇa', Encyclopedia of Hinduism, Cush et al (Ed.)).

۱. شینتو، دین بومی ژاپن که در قرن هشتم پس از معرفی آیین بودا از شین‌دائو به معنای راه خدایان به این نام نامیده شد. این دین به عنوان دسته‌ای از آیین‌های کشاورزی پیشاتاریخی، مجموعه‌ای از ادبیات فلسفی یا تاریخ-گرایی که حامی‌اش باشد نداشت. شمن‌ها مراسم آن را اجرا می‌کردند و سرانجام شمن‌های طایفه یاماتو این کار را به عهده گرفتند و سرکرده آنها وظایفی را به عهده گرفت که به ریاست دولت شین‌تو انجامید. در قرن هشتم نویسندگان یاماتو خاستگاه‌های الاهی خاندان یاماتو را نوشتند و ادعای مشروعیت برای فرمانروایی کردند و از آنجا شین‌تو، سیاسی شد. شین‌تو بر اهمیت پاکی تأکید می‌کند و از آنجا که باید از مرگ و دیگر آلودگی‌ها پرهیز نمود لزوماً به زندگی و فواید آن می‌پردازند و آنها را هدایایی الاهی می‌داند (هینلز، جان آر، «شین‌تو»، فرهنگ ادیان جهان، ویراسته ع. پاشایی، صص. ۹-۴۲۸).

پیش از میلاد) آیین بودا گسترش یافت و به بیشتر مناطق شبه قاره هند و نیز آن سوی مرزهای هند رسید و به دینی جهانی، تبدیل شد. آشکّه، اخلاق اجتماعی آیین بودا را به عنوان مبنای رهنمون فرمانروایی اش پذیرفت و بوداییان او را نمونه یک حاکم بودایی مشفق دانسته‌اند. مهم-ترین مآخذ شناخت وی، کتیبه‌های اوست که بر سنگ‌ها و ستون‌های سنگی به زبان‌های گوناگون از جمله آرامی نوشته شده‌اند. به نظر می‌رسد آشکّه که در آغاز حکومتش، مایل به دنبال نمودن سیاست نیاکانش بود که وظیفه حاکم می‌دانستند که قلمرواش را بنا بر اصل «حق با کسی است که قدرت دارد» به اجبار وسعت بخشد. اما او پس از یک جنگ خونین، به شدت احساس ندامت نمود و آرزو نمود که مطابق درمه حکومت کند و رضایت شهروندانش را جلب و آنها را حفظ کند. وی احساس وظیفه می‌نمود که سطح زندگی شهروندانش را بهبود بخشد تا چارچوب درستی برای کسانی که یک شیوه زندگی دینی و اخلاقی بودایی یا غیر بودایی را دنبال می‌کنند فراهم کند.

در دوره حکومت آشکّه، فعالیت تبلیغی قابل ملاحظه‌ای صورت گرفت. منابع ترواده‌ای بیان می‌دارند که تیسّه مُگلیپوته (Tissa Moggaliputta) راهب، گروه‌های راهبان را به برخی از نواحی مرزی فرستاد. کتیبه‌های آشکّه نیز بیان می‌دارند که امپراتور، هیئت‌های نمایندگی را به برخی از سرزمین‌های خارجی، اعزام نمود زیرا بر آن بود که ایده‌آلی را که دنبال می‌نمود گسترش دهد: استیلا به واسطه درمه، نه به واسطه سلطه نظامی. این هیئت‌ها از شمال غربی تا سوریه، مصر و مقدونیه فرستاده شدند. از شرق به سوونه-بومی (Suvaṇṇa-bhūmi) (سرزمین طلایی) که احتمالاً ناحیه مون (Mun) برمه جنوبی یا تایلند مرکزی بوده است، رفتند. آشکّه حدوداً در سال ۲۵۰ پیش از میلاد، هیئتی را به رهبری پسرش مَهینده (Mahinda) به سریلانکا فرستاد که در اشاعه مکتب ترواده بسیار موفق بود.

مگاتب آیین بودا

حدوداً یک سده پس از درگذشت بودا، نخستین انشقاق در انجمن رهبانی آیین بودا اتفاق افتاد. هرچند دلایل متعددی برای این انشقاق ذکر می‌شود اما دلیل اصلی این انشقاق مشخص نیست.

به نظر می‌رسد این انشقاق بر سر مسائل اعتقادی نبوده بلکه به انضباط رهبانی مربوط می‌شده است. در نتیجه این انشقاق، انجمن رهبانی به دو گروه ترَواده به معنای راه نیاکان و مَهاسانگیکه (Mahā-sāṃghika) به معنای متعلق به انجمن همگانی تقسیم شد. ترَواده‌ای‌ها احتمالاً گروهی اصلاح طلب بودند که می‌خواستند برای تضمین آموزش مناسب اعضای جدید، ابعاد معینی از گسترش عمل رهبانی را در نظام‌نامه رسمی منظور کنند. مَهاسانگیکه‌ها که در آن زمان اکثریت را داشتند ترجیح می‌دادند به نظام‌نامه رسمی موجود عمل کنند. این دو گروه، بعدها به گروه‌های متعددی تقسیم شدند ولی امروزه از آنها تنها مکاتب ترَواده، سرواستیوادین‌ها (Sarvāstivādins) و درمگوپتگه‌ها (Dharmaguptakas) به جا مانده‌اند. مکتب ترَواده، در سریلانکا، تایلند، میانمار، کامبوج و لائوس وجود دارد. سرواستیوادین‌ها روزگاری مکتب تأثیرگذاری در هند بودند و نظام-نامه رهبانی موله- سرواستیوادین (Mūla-Sarvāstivādin) هنوز در تبت، متداول است و آبیَدَرمَه- کُشه- باشیه (abhidharma-kośa-bhāṣya) متنی عمدتاً سرواستیوادینی است که اغلب بوداییان مَهایانه‌ای تبت، چین، ویتنام، کره و ژاپن بدان استناد می‌کنند. در چین و ویتنام و کره، نظام‌نامه رهبانی درمگوپتگه‌ها کاربرد دارد. همه این مکاتب، منشأ خود را به ترَواده‌ای‌های انشقاق نخستین می‌رسانند (Harvey (Ed.), 2001, p. 6).

زمانی بین سال‌های ۱۵۰ و ۱۰۰ پیش از میلاد، نهضت جدید مَهایانه در آیین بودا رو به گسترش نهاد که به نظر می‌رسد نقطه اوج تحولات پیش از آن بوده است. این نهضت در تاریخ به عنوان ائتلاف نامنسجم گروه‌هایی پدید آمد که هر کدام به یک یا چند سوتره (sūtra) جدید منسوب به بودا وابسته بودند. از آنجا که هیچ کس این سوتره‌ها را قبلاً نشنیده بود افراد بسیاری در مورد آنها تردید داشتند اما مَهایانه‌ای‌ها معتقد بودند که این سوتره‌ها به واسطه هیئت آسمانی بودا به آنها الهام شده یا تعالیم نهانی بودا هستند که پیشتر در جهان دیگری نهفته بوده‌اند یا برخاسته از همان فراشناخت قابل تغییری هستند که منبع تعالیم بودا بوده است. کسانی که این آموزه‌ها را پذیرفتند بخشی از نهضت جدید شدند و کسانی که آنها را نپذیرفتند بیرون از نهضت ماندند. مَهایانه‌ای‌ها به شروح مکاتب اولیه از تعالیم بودا نیز احترام می‌گذارند با این وجود به تفسیر مجدد و افزودن بر آنها پرداختند. آیین بودای مَهایانه از چند منظر، نقطه نظرهای متفاوتی

دارد. در کیهان‌شناسی آیین بودای مه‌ایانه، بودا موجودی در هیئت آسمانی دانسته می‌شود که یکی از بود/های آسمانی بسیار است که در سراسر کیهان وجود دارند و به واسطه نیایش، دست یافتنی است در حالی که اشکال پیشین آیین بودا، بودا را در نیروانه نهایی و وجودی فراتر از وجود فردی می‌دانستند. دیگر آنکه در حالی که اشکال پیشین آیین بودا، بودای تاریخی را بودیستوه‌ای می‌دانستند که به روشن‌شدگی نایل شد مکتب مه‌ایانه او را تجلی‌ای از همتای آسمانی‌اش بر روی زمین دانست که پیش از آن، دیرزمانی بودا بوده است هرچند در گذشته جایگاهش را به واسطه راه طویل بودیستوه به دست آورده بود. و گرچه مکاتب اولیه، تفصیلی از طریق بودیستوه را که به بوداشدن می‌انجامید به دست داده بودند، مه‌ایانه این طریق را تنها برای معدود قهرمانان معنوی ندانست بلکه طریقی تلقی نمود که همه باید نه با هدف آرَهت شدن بلکه برای بودا شدن در آن قدم بردارند.

بنابراین مه‌ایانه‌ای‌ها، طریقه خود را در مقایسه با واژه هینه‌یانه یا چرخه معنوی کوچک که در اشاره به مکاتب غیرمه‌ایانه‌ای به کار می‌بردند، مه‌ایانه یا چرخه معنوی بزرگ، نامیدند. اما واژه منصفانه‌تر شرواکه‌یانه (*śrāvakayāna*) یعنی چرخه معنوی شرواکه‌ها (*śrāvakas*) یا مریدان را نیز به کار می‌بردند که مربوط به کسانی بود که رهایی‌شان به عنوان آرَهت را با بسط بصیرت به حقایق چهارگانه برین، آن گونه که بودا آموخته بود، می‌جستند.

مه‌ایانه، خود دارای دو مکتب مهم مادیَمکه (*Madhyamaka*) و یوگاچاره (*Yogācāra*) است. اساس مکتب مادیَمکه این است که هیچ چیز خود ثابتی ندارد بدان معنا که هر چیزی اعم از ذهنی یا طبیعی، «تهی» از ماهیتی ذاتی است. هیچ چیزی نمی‌تواند جدا از دیگر چیزهایی که تنها از طریق رابطه‌شان با چیزهایی که از آنها حمایت می‌کنند و به همین ترتیب تا بی‌نهایت ادامه پیدا می‌کند، وجود داشته باشد. ماهیت هر چیز، «خلأ» است و این خلأ، در واژه‌ها نمی‌گنجد. در مه‌ایانه خلأ، سرانجام چیزی نظیر نیروانه دانسته شد که آن نیز در واژه‌ها نمی‌گنجد و تصور می‌شود از طریق بصیرت ژرف به امور به عنوان چیزهایی تهی از خود، دانسته می‌شود. این بدان معناست که در مه‌ایانه، نیروانه چیزی غیر از جهان روزمره البته آن گونه که با دید بصیرت ژرف نگریسته می‌شود، نیست. مکتب یوگاچاره، صرفاً بر تجربه بی‌واسطه، چگونگی عمل آن در

موجودات روشنی‌نیافته و چگونگی تغییر آن به منظور تحقق *نیروانه*، تمرکز نمود. در این مکتب، دریافت عمومی جهان «عینی» یک فرافکنی ناشی از سوءتعبیر افراد از روند تجاریشان تلقی شد. بنابراین ایده جهان خارجی طبیعی، توهم محض یا تنها یک انگاره مورد تردید دانسته شد که برای آن هیچ گواه روشنی نداریم. بنابراین از نقطه‌نظر مکتب یوگاچاره، تنها ذهن واقعیت دارد و جهان نیز ساخته ذهن است. این مکتب، چیتاماتره (Cittamātra) یعنی «تنها ذهن» نیز نامیده می‌شود.

سومین تحول بزرگ آیین بودا، شکل‌گیری نهضت وجره‌یانه بود که در قرن ششم میلادی در درون مه‌ایانه، روی داد. این مکتب با روش‌هایی کارآمد و عملی مبتنی بر متونی به نام *تنتره*^۱ (tantra) به دنبال تسریع طریق طولانی مه‌ایانه بود. این مکتب که *مَنتره‌یانه* یعنی «چرخه *مَنتره‌ها*» (mantras) نیز خوانده شد از *مَنتره‌ها* - اشعاری در ادیان هندی که تصور می‌شود حروف و صداها، نیرو دارد و تجسم نیروهای یکی از خدایان است - برای تجسم و خواندن بوداهای آسمانی، بودیستوه‌ها و دیگر موجودات مقدس استفاده می‌کرد. این موجودات، هم موجوداتی جدا از رهرو و هم موجوداتی که توسط نیروهای نهفته در ذهن رهرو مجسم می‌شوند تلقی شدند. تصور می‌شد به واسطه تجسم متأملانه این موجودات و خواندن *مَنتره‌ها* آنها، اوصاف آنها در قلب بیدار می‌شود تا موجب پیشرفت سریع در طی طریق شود. این موجودات، هم مؤنث و هم مذکرند و گاه در اتحاد جنسی که اتحاد اوصاف معنوی فراشناخت (مؤنث) و ابزار متبحرانه مشفقانه (مذکر) را می‌نماید تصور یا تجسم می‌شوند. از آنجا که کاربرد نادرست این شیوه‌های کارآمد خطرناک دانسته می‌شود وجود یک گورو (guru) (به تبتی: *لاما* (bla-ma)) یعنی یک محافظ و راهنمای معنوی که رهرو کاملاً به وی اعتماد کند ضروری می‌نماید. گذشته از مکاتبی که در اینجا مورد اشاره قرار گرفت، باید این نکته را افزود که آیین بودا از نظر جغرافیایی نیز به

۱. *تنتره*، در این سنت بودایی، اشاره به مجموعه‌ای از متون آیینی دارد که در اصل به عنوان گفتارهای بودا به صورت انسانی یا بودایی، گفته شده است. موضوع *تنتره‌ها*، توسل به خدایان، کسب نیروی جادو و یافت روشن-شدگی از راه دیانه و *مَنتره* و مودرا و یوگاست. این متون تا قرن چهارم یا پنجم به طور پنهانی و سینه به سینه آموخته می‌شدند و پس از آن در هند مخصوصاً توسط گروه مشهور عارفان *تنتره‌ای* معروف به «۸۴ کامل» (به سنسکریت: سیده (siddha)؛ به تبتی: دروتوپ (druptop)) رواج یافت (هینلز، جان آر، «*تنتره*»، فرهنگ ادیان جهان، ویراسته ع. پاشایی).

سه سنت مهم، تحت عناوین آیین بودای جنوبی، آیین بودای شمالی و آیین بودای شرقی تقسیم می‌شود.

آیین بودای جنوبی

سریلانکا، نخستین کشور بودایی بیرون از مرزهای هند است که در قرن سوم پیش از میلاد به واسطه هیئتی که آشکه به سرپرستی پسرش به آنجا فرستاده بود، کیش بودایی را پذیرا شد. متون بودایی ترواده‌ای (کانون پالی) در سریلانکا به زبان پالی حفظ شد. این متون چند قرن به صورت سینه به سینه حفظ می‌شد اما در قرن نخست پیش از میلاد در زمان جنگ و قحطی به خاطر بیم از بین رفتنشان به خاطر درگذشت راهبانی که آنها را از حفظ بوند مکتوب شدند. بعدها تفاسیر این متون که توسط مهبندّه و همراهانش به سریلانکا برده شده بود به زبان سینهل^۱ ترجمه شدند. در قرن پنجم میلادی، راهب هندی، بوداگسه (Buddhagosa) به سریلانکا رفت و مجدداً آنها را به پالی برگرداند و ضمن ویراست آنها مطالبی را بر آنها افزود. وی به پاس این فعالیت‌ها، سخن‌گوی اصلی سنت ترواده دانسته می‌شود.

هرچند احتمالاً آیین بودای ترواده از زمان امپراتور آشکه در منطقه مون که امروزه برمه و تایلند نامیده می‌شود وجود داشته است بعدها دیگر اشکال آیین بودای آغازین، همچنین آیین بودای مهبایانه و آیین هندو نیز در آنجا تأثیرگذار شدند. اما از قرن یازدهم، بخش اعظم آسیای جنوب شرقی به واسطه فعالیت‌های برخی پادشاهان، هیئت تبلیغی از سوی منطقه مون و تأثیر آیین بودای سریلانکایی به نحو بارزی، ترواده‌ای شد. در قرن یازدهم، آیین بودای ترواده با گسترش فعالیت‌های تبلیغی در برمه به شکل غالب آیین بودا در آمد. همچنین از قرن دوازدهم در کامبوج و از قرن سیزدهم در تایلند و از قرن چهاردهم در لائوس غلبه یافت.

۱. سینها، به معنی شیر است و منظور از سینهل، سریلانکایی است زیرا ساکنان سریلانکا، خود را سینهل یعنی مردم شیر، می‌نامند (Humphreys, Christmas, 'Sinha', A Popular Dictionary of Buddhism).